

## تاثیر فرهنگ بر سطح ریسک افشا IFRS در شرکت‌ها

نگار خسروی پور<sup>۱</sup>، نسترن احمدی<sup>۲</sup>

**چکیده** - افشا در حسابداری فاکتور مهمی در فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است. تفاوت‌ها در میان ارزش‌های فرهنگی کشورها ممکن است منجر به نظرات متفاوت درباره چگونگی افشا در صورت‌های مالی شود. هدف از این مطالعه بررسی اثر فرهنگ بر ریسک افشا بر مبنای IFRS در شرکت‌ها می‌باشد. این مقاله ادبیات صحیح در حوزه فرهنگ و قوانین ریسک افشا بر مبنای IFRS را توسعه می‌دهد. تجزیه و تحلیل مربوط به میزان افشا ریسک مالی هر شرکت در افشا بر مبنای IFRS7 آماده گردید. با استفاده از نظریه هافستد (۱۹۸۳) و گری (۱۹۸۸) هر شرکت و کشور با حوزه فرهنگ و با مقیاس محافظه‌کاری و پنهان‌کاری تقسیم شد. سطح ریسک افشا برای هر شرکت بعد از بررسی گزارش‌های سالانه آنها براساس IFRS7 مشخص شد. نتایج نشان می‌دهد که فرهنگ (پنهان‌کاری و محافظه‌کاری) تاثیر قابل توجهی در سطوح افشا IFRS7 ندارد. اما تاثیر عوامل دیگر اقتصادی و سیاسی در ریسک ارائه صورت‌های مالی مشاهده می‌شود.

**کلید واژه:** فرهنگ، IFRS7، ریسک افشا، پنهان‌کاری، محافظه‌کاری

### مقدمه

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS7)، که در سال ۲۰۰۷، جایگزین استانداردهای قبلی در ریسک افشاء است. تحقیقات قبلی (برنا و بوزولان ۲۰۰۴، بیسچوف ۲۰۰۹ و ماخین ۲۰۱۲)، پس از تصویب IFRS7 به بررسی کیفیت و کمیت ریسک افشای مالی پرداختند و تحقیقات دیگر وجود ریسک افشا در گزارشات سالانه را بررسی نمودند (دوبلر، لاجیلی و زگال، ۲۰۱۱). برخی از مطالعات اخیر به بررسی عوامل فرهنگی که بر ریسک افشا تاثیر می‌گذارد، پرداختند. (بتلی و فرانکلین، ۲۰۱۳، دوبلر و همکاران، ۲۰۱۱). دیگر تحقیقات ابعاد فرهنگی هافستد ۱۹۸۳ و چارچوب گری ۱۹۸۸ برای اندازه‌گیری اثرات فرهنگی بر مطالعات مالی و حسابداری پرداختند به این نتیجه رسیدند که تفاوت ارزش‌های فرهنگی در کشورها می‌تواند به تفاوت در شناخت و افشای تصمیمات منجر شود. هدف از این مقاله بررسی اثر فرهنگ بر سطح ریسک افشا موردنیاز در IFRS7 می‌باشد. بنظر می‌رسد، تاثیر فرهنگ در سطح ریسک افشاهای IFRS7 مطالعاتی صورت نگرفته است. این مطالعه با هدف پر کردن این شکاف ادامه مقاله به شرح زیر تدوین شده است.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب؛ نویسنده مسئول [n\\_khosravipour@yahoo.com](mailto:n_khosravipour@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب [n.ahmadi.ses@gmail.com](mailto:n.ahmadi.ses@gmail.com)

## فرهنگ

از نظر هافستد، فرهنگ یعنی مجموعه‌ای از برنامه‌نویسی ذهن که به سختی می‌توان یک گروه را از دیگران متمایز نمود. هافستد در مطالعه خود ابعاد فرهنگ را به چهار دسته تقسیم می‌کند. او مدلی را برای شناسایی الگوهای فرهنگی کشورهای مختلف متشکل از چهار بعد اصلی: بعد قدرت، اجتناب از عدم قطعیت، فردگرایی و جمع‌گرایی، و مردگرایی (یا زن‌گرایی) را ارائه داد.

۱. فاصله قدرت: فاصله قدرت حدی است که افراد، موسسات و سازمان‌های کم قدرت می‌پذیرند که قدرت به‌طور نابرابر توزیع شود. در کشورهایی که افراد آن به‌طور کورکورانه از دستورات مافوق‌های خود پیروی می‌کنند، فاصله قدرت زیاد است. در بسیاری از جوامع کارکنان سطوح عملیاتی تمایل دارند که دستورات را همانند یک رویه اطاعت کنند. در بعضی از جوامع که فاصله قدرت زیاد است حتی در سطوح عالی سازمان نیز اطاعت محض از مافوق‌ها دیده می‌شود. کشورهای مکزیک، کره شمالی و هند از جمله کشورهایی هستند که فاصله قدرت در آنها زیاد است. به‌طور کلی در کشورهایی که فاصله قدرت کم است، سازمان‌ها غیرمتمرکز بوده و دارای ساختار مسطح‌تری هستند و نیروهای انسانی دارای شرایط احراز شغلی بالایی هستند. در مقابل در کشورهایی که فاصله قدرت زیاد است، سازمان‌ها متمرکز و دارای ساختار بلند هستند و همچنین نسبت سرپرستان در آنها بالاست و افراد سطوح عملیاتی دارای شرایط احراز شغلی پایینی هستند.

## فاصله‌ی قدرت بالا

## فاصله‌ی قدرت پایین

والدین به فرزندان‌شان اطاعت کردن را می‌آموزند.

والدین با فرزندان‌شان به منزله‌ی افرادی هم‌شان برخورد می‌کنند.

احترام به والدین و بزرگترها، یک فضیلت همیشگی است که باید رعایت شود.

فرزندان، با والدین و سایر بزرگترها، به منزله‌ی افرادی هم‌شان برخورد می‌کنند.

وظیفه‌ی نگهداری از والدین در دوران سالمندی، به عهده‌ی فرزندان است.

فرزندان در نگهداری والدین در دوران سالمندی، نقش و وظیفه‌ای ندارند.

ابتکار همه‌ی امور در کلاس، در دست معلم است.

معلمان، از دانش‌آموزان انتظار ابتکار دارند.

معلم، متخصصی است که حقایقی غیرشخصی را به دانش‌آموز منتقل می‌کند. معلم، مرشدی است که خرد شخصی‌اش را به دانش‌آموزان منتقل می‌کند.

۲. اجتناب از عدم اطمینان: حدی است که افراد احساس می‌کنند که در موقعیت‌های مبهم مورد تهدید قرار می‌گیرند. برای اجتناب از چنین موقعیت‌هایی برای خود باورها و حتی نهادهایی ایجاد می‌کنند. در کشورهایی که افراد آن عدم اطمینان را دوست ندارند، نیاز امنیت در آنها بالاست و به تخصص‌ها و دانش اعتقاد زیادی دارند. کشورهای آلمان، ژاپن و اسپانیا این‌گونه هستند. در فرهنگ‌هایی که کمتر از عدم اطمینان اجتناب می‌کنند، افراد تمایل به ریسک‌پذیری دارند همانند دانمارک و بریتانیای کبیر. در کشورهایی که فرهنگ اجتناب از عدم اطمینان در آنها زیاد است ساختاردهی فعالیت‌های سازمانی در آنها زیاد است، قوانین مکتوب بیشتر است، مدیران ریسک کمتری می‌کنند، ترک خدمت نیروی کار کم است و کارکنان از ابهام شغلی کمتری برخوردارند. در مقابل در جوامعی که اجتناب از عدم اطمینان در آنها کم است، ساختاردهی فعالیت‌های سازمانی کم است، قوانین مکتوب ناچیز بوده و ترک خدمت کارکنان زیاد است، همچنین مدیران زیاد ریسک می‌کنند و کارکنان دارای تحمل ابهام بیشتری هستند. در چنین فرهنگی افراد سازمان برای کارهایی که انجام می‌دهند پاسخگو هستند و تشویق می‌شوند تا خلاقیت بیشتری از خود نشان دهند.

اجتناب از عدم اطمینان بالا

اجتناب از عدم اطمینان پایین

عدم اطمینان در ذات زندگی، تهدیدی است که باید با آن مقابله کرد

عدم اطمینان یک ویژگی عادی زندگی است

استرس و اضطراب بالا

استرس و اضطراب پایین

پرخاشگری و هیجانات در زمان و مکان مناسب  
ابراز می‌شوند

پرخاشگری و هیجانات را نباید نشان داد

پذیرش ریسک‌های شناخته شده؛  
ترس از موقعیت‌های مبهم و ریسک‌های ناشناخته

افراد در موقعیت‌های مبهم و با ریسک  
ناشناخته احساس راحتی می‌کنند

قواعد مربوط به تابوها و چیزهای کثیف، سخت  
گیرند

قواعد مربوط به تابوها و چیزهای کثیف،  
آسان گیرند

۳. فردگرایی: عبارت است از تمایل افراد به مراقبت از تنها منافع خود و خانواده‌شان. هافستد این تفاوت فرهنگی را روی یک پیوستار اندازه‌گیری می‌کند که در یک طرف طیف فردگرایی و در طرف دیگر جمع‌گرایی قرار دارد.

جمع‌گرایی عبارت است از تمایل افراد به وابستگی به گروه‌ها یا اجتماعات و مراقبت از یکدیگر به ازای تعهدی که افراد نسبت به یکدیگر احساس می‌کنند. همانند سایر ابعاد فرهنگی، اثرات فردگرایی و جمع‌گرایی به روش‌های مختلفی قابل اندازه‌گیری است. هافستد دریافت که کشورهای ثروتمند امتیاز فردگرایی بالاتری دارند و در کشورهای فقیرتر فرهنگ جمع‌گرایی بیشتر است. کشورهای کانادا، ایالات متحده آمریکا، استرالیا، دانمارک و سوئد دارای فرهنگ فردگرایی هستند و تولید ناخالص داخلی نیز در این کشورها بسیار بالا است. برعکس در کشورهای گوم، پاکستان و تعدادی از کشورهای آمریکای جنوبی فرهنگ جمع‌گرایی حاکم است و علاوه بر آن تولید ناخالص ملی نیز در این کشورها پایین است. در کشورهایی که فرهنگ جمع‌گرایی وجود دارد، از اخلاق کاری پروتستان حمایت بیشتری می‌شود، ابتکارات فردی وسیع‌تر است و ترفیعات مبتنی بر ارزش بازاری است. در کشورهایی که فرهنگ فردگرایی حاکم است، حمایت کمتری از اخلاق کاری پروتستان به عمل می‌آید، ابتکارات فردی کم است و ترفیعات مبتنی بر سیستم ارشدیت است.

## فردگرا

## جمع‌گرا

جابجایی شغلی بیشتر است.

جابجایی شغلی کمتر است.

کارکنان "انسان اقتصادی" هستند که منافع کارفرما را، اگر با منافع‌شان همسو باشد، پی‌جویی می‌کنند.

کارکنان، اعضای گروه‌های خودی هستند که منافع این گروه‌ها را پی‌جویی می‌کنند.

تصمیمات ترفیع و ارتقا، تنها بر مبنای مهارت‌ها و قوانین اتخاذ می‌شود.

در تصمیمات مربوط به ارتقا و ترفیع، همیشه خودی‌ها در نظر گرفته می‌شوند.

رابطه‌ی کارفرما - کارمند، قراردادی است که در بازار نیروی کار، بین دو طرف منعقد می‌شود.

اساس رابطه‌ی کارفرما - کارمند، اخلاقی است، مثل یک ارتباط خانوادگی

همه‌ی مشتریان خدمت مشابهی دریافت می‌کنند.

مشتریان خودی، خدمات بهتری دریافت می‌کنند.

۴. مردسالاری: هافستد مردسالاری را این‌گونه تعریف کرده است: موقعیتی که ارزش‌های غالب در جامعه عبارتند از: پول، موفقیت و چیزهای مادی. هافستد این بعد را روی یک پیوستار اندازه‌گیری می‌کند که در یک سوی آن مردسالاری و در سوی دیگر زن‌سالاری قرار دارد. به عقیده هافستد زن‌سالاری عبارت است از: یک موقعیتی که ارزش‌های غالب در جامعه عبارتند از: به فکر دیگران بودن و کیفیت زندگی. ژاپن از جمله کشورهایی است که دارای فرهنگ مردسالاری است. در ژاپن اهمیت زیادی به کسب درآمد داده می‌شود، افراد دوست دارند مورد تقدیر قرار گیرند و پیشرفت کنند. همچنین دوست دارند زندگی کاریشان چالشی باشد. از دیدگاه ژاپنی‌ها موفقیت عبارت است از: مورد تقدیر قرار گرفتن، ثروت و مکان کاری پر استرس. در ژاپن افراد تشویق می‌شوند تا مستقل تصمیم بگیرند و تعدادی از مدیران معتقدند که کارکنان باید تحت کنترل قرار گیرند.

نروژ کشوری است که دارای فرهنگ زن‌سالاری است. در این کشور افراد به مشارکت اهمیت زیادی می‌دهند، خواهان امنیت شغلی هستند، جو دوستانه را ترجیح می‌دهند و افراد به تصمیم‌گیری گروهی تشویق می‌شوند. موفقیت در فرهنگ زن‌سالاری عبارت است از: ارتباطات انسانی، محیط پرنشاط، محیط کاری با استرس کم، تفویض اختیار بیشتر از سوی مدیران به کارکنان و آزادی بیشتر برای کارکنان. در فرهنگی که شاخص مردسالاری بالا است افراد تمایل به تهور در کارها دارند و رشد اقتصادی اهمیت بیشتری از بقای محیطی دارد. افراد جوان انتظار دارند که دارای شغل باشند و افراد اغلب در خود نقصی نمی‌بینند. همچنین زنان کمتر مشاغل سطوح عالی را اشغال می‌کنند و استرس کاری در محیط کار بالا است. در فرهنگ زن‌سالاری افراد به کارهای ریسکی تمایلی ندارند و آنها اهمیت زیادی به بقای محیطی می‌دهند، فقط تعدادی از افراد جوان خواهان شغل هستند، بعضی از زنان دارای مشاغل سطح عالی بوده و استرس شغلی در محیط کار کم است.

در سال ۱۹۸۵، هافستد در بعد پنجم به دنبال اضافه نمودن یک جایگزین جهت‌گیری بلندمدت در مقابل کوتاهمدت (چشم‌انداز بلندمدت) است. در سال ۲۰۱۰، او یک بعد ششم به مدل زیاده‌روی در مقابل خویشتن-داری (هافستد G، هافستد G.J. و Minkov، 2010) اضافه کرد. با توجه به هافستد (۱۹۸۳)، ابعاد فردگرایی و جمع‌گرایی در درجه اول به ارتباط یک فرد با دیگر افراد سروکار دارد. بعد قدرت به این اشاره دارد که چگونه جوامع با افرادی که با یکدیگر، یا در ظرفیت فیزیکی و یا قابلیت‌های فکری خود برابر نیستند کار کنند. بعد قدرت به میزان تمرکز قدرت و دیکتاتوری، رهبری استبدادی مربوط می‌شود. بعد اجتناب از عدم اطمینان

در دو تا از حقایق اساسی زندگی تمرکز دارد: ثبات رویه، و قطعی نبودن. بعد مردانگی / زنانگی دوگانگی جنسیتی در تمدن مقایسه می‌کند. با توجه به هافستد (۱۹۸۰، ۲۰۰۱)، در جامعه زنانه، تقسیم مسئولیت بین دو جنس به طور مساوی وجود ندارد.

بعد جهت‌گیری بلندمدت علاقمند به پرورش کیفیت هستند که به سمت پاداش‌های آینده بشود، به ویژه کسانی که از پشتکار و صرفه‌جویی ارتباط دارند (هافستد، ۲۰۰۱). بعد ششم (زیاده‌روی در مقابل خویشتن‌داری) که مربوط به میزان لذتی که از داشتن سرگرمی که در جوامع وجود دارد است. (هافستد، و همکاران. ۲۰۱۰)

دیگر نویسندگان رابطه بین ابعاد فرهنگی هافستد و حسابداری را بررسی کرده‌اند. گری (۱۹۸۸) یک چارچوب نظری که چهار بعد اولیه (فردگرایی / جمع، بعد قدرت، اجتناب از عدم قطعیت و ابعاد مرد و زن) که مربوط به اصول حسابداری است را توسعه می‌دهد. یک سیستم ارزش‌های حسابداری مشتق شده از ارزش‌های اجتماعی توسط محقق استفاده می‌شود. (ابعاد هافستد) مقادیر حسابداری بودند از: حرفه‌ای بودن در برابر کنترل قانونی، یکنواختی در مقابل انعطاف‌پذیری، محافظه‌کاری در مقابل خوش‌بینی و پنهان‌کاری در مقابل شفافیت. برای (Gray, 1988)، یک کشوری که بیشتر فردی است، با کاهش اجتناب از عدم قطعیت و بعد قدرت پایین، یک کشور حرفه‌ای‌تر خواهد بود و در آن بیشتر اجتناب از عدم اطمینان وجود دارد، با بعد قدرت بیشتر و فردگرایی کمتر، این احتمال افزایش می‌دهد که یک کشور حرفه‌ای‌تر، با افزایش اجتناب از عدم اطمینان همراه است و فردگرایی کمتر و مردسالاری بیشتر، خواهد بود. یک کشور محافظه‌کارانه‌تر، با یک اجتناب از عدم اطمینان بالا و با کاهش فردگرایی و مردسالاری بیشتر، احتمال بیشتری وجود دارد که دارای ویژگی‌های پنهان‌کاری بیشتری باشد.

دوپنیک و پیرا به این موضوع اشاره نمودند که گری یک چارچوب که با استفاده از یک مقیاس برای ارزش‌های پنهان‌کاری و محافظه‌کاری را توسعه داده است. او با استفاده از این مقیاس، ۱۰ محیط مختلف فرهنگی ایجاد شده توسط هافستد را رتبه‌بندی کرد. مقیاس ۱ (پنهان‌کاری کم) تا ۷ (پنهان‌کاری بالا) و مقیاس ۱ (محافظه‌کاری کم) تا ۵ (محافظه‌کاری بالا) برای رتبه هر منطقه فرهنگی استفاده شد. دوپنیک و ریکو (۲۰۰۶) حالتی را که در چارچوب پیش‌بینی‌های گری بالاترین رتبه از ابعاد فرهنگی و اجتناب از عدم فرهنگی خواهد بود را میزان پنهان‌کاری ارزش‌های حسابداری می‌دانند. بالاترین رتبه که نتیجه آن میزان کم افشا در اطلاعات مالی و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی خواهد بود.

## تاریخچه IFRS 7

IFRS 7، ابزار افشاگری‌های مالی، برای تمام دوره‌هایی که شروع آنها بعد از ژانویه ۲۰۰۷ بود قابل اجراست. جایگزین استاندارد بین‌المللی حسابداری (IAS 30) و جایگزین الزامات افشای تحت IAS ابزارهای مالی؛ برای موانع حسابداری و اندازه‌گیری ارزش منصفانه ارائه شد. تفاوت IAS 30، IFRS 7 این است که به بانک‌ها محدود نمی‌شود. استاندارد جدید در همه ابزارهای مالی بکار برده می‌شود. گبهاردت (۲۰۱۲) شواهدی می‌یابد که شرکت‌های غیرمالی، مقادیر زیادی دارایی‌های مالی نگهداری می‌کنند. هدف از این استاندارد جدید که سودمندی اطلاعات برای تصمیم‌گیری در مورد ریسک و بازده برای سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را بهبود دهد.

بونتی و پاماچی (۲۰۱۲) استدلال می‌کند IFRS7 می‌خواهد تردید سرمایه‌گذار درباره اثرات تغییر در ریسک تغییرات در جریان نقدی شرکت‌ها را کاهش دهد.

IFRS 7 به یک ابزارهای مالی خود به همانند کلاس و درجه‌بندی می‌پردازد که هر یک سطح افشا جداگانه دارند. گرنیک (۲۰۰۶) چیزی است که به استفاده IAS7 باید افشا کند اشاره می‌کند:

- ۱- اطلاعات شامل اهمیت صورت‌های مالی برای جایگاه و کارایی یک موجودیت مالی و
- ۲- اطلاعاتی شامل ماهیت و اندازه ریسک‌های برخاسته از ابزارهای مالی، شامل کمترین مقدار افشاسازی مشخص در مورد ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک بازار.

## اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت مالی شرکت و عملکرد آن:

موسسه و یا شرکت باید اطلاعاتی را که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را قادر می‌سازد تا اهمیت ابزارهای مالی، عملکرد و وضعیت مالی شرکتی را ارائه می‌کند، افشا نماید. طبقه‌بندی دارایی‌ها در صورت وضعیت مالی به شرح دارایی‌ها و بدهی به صورت زیر می‌باشد:

مبلغ هر یک از موارد زیر باید در صورت‌های مالی و یا یادداشت‌های همراه افشا شود. ۱. دارایی‌های مالی باید به ارزش منصفانه افشا شوند. ۲. بدهی‌های مالی باید به ارزش منصفانه که در شناخت اولیه چه در مراحل بعدی شناسایی شوند. ۳. دارایی‌های مالی و بدهی‌های مالی به بهای مستهلک شده اندازه‌گیری می‌شوند. از طرفی طبق IFRS 7 ریسک هر طبقه و گروه از دارایی‌ها باید بصورت جداگانه بررسی گردد. از انواع موارد قابل بررسی می‌توان به ریسک‌های زیر اشاره نمود.

ریسک اعتباری، ریسکی است که یک دارایی مالی ممکن است خراب شود (Sacho, 2008) و تابعی از کیفیت اعتباری مشتری است. (Bischof, 2009) نهادها برای افشا موارد زیر را نیاز خواهند داشت: حداکثر ریسک اعتباری که با آن مواجه هستند و کیفیت اعتباری دارایی‌های مالی که سررسید شده یا دچار اختلال شده است. شدت ریسک اعتباری از تجزیه و تحلیل دارایی مالی سررسید شده و دچار اختلال نشده محاسبه می‌گردد. (Sacho 2008) ریسک نقدینگی به عنوان خطر که یک نهاد در برآورده نمودن تعهدات وابسته به بدهی‌های مالی ایجاد شده خود با آن روبرو می‌شوند T تعریف شده است (IFRS 7, 2005). بیشوف (۲۰۰۹)، ریسک نقدینگی را برخاسته از شکاف بین سررسید یک موجودی و نقدینگی جاری عنوان نموده است.

IFRS 7 ریسک بازار را ریسکی می‌داند که ارزش آینده جریان نقدی از یک ابزار مالی که نوسانات قیمت در بازار دارد، متأثر می‌گردد. ریسک بازار سه نوع ریسک دربر دارد: ریسک ارز، ریسک نرخ بهره و دیگر ریسک‌های پولی. بیشوف (۲۰۰۹) استدلال می‌کند که ریسک بازار نیز شامل افشای تغییرات که، به عنوان مثال در، قیمت سهام، قیمت کالاها و قیمت املاک و مستغلات خواهد شد. ساشو (۲۰۰۸) اشاره می‌کند که شرکت‌ها همچنین نیاز به افشای ریسک شامل تغییرات قیمت سهام و شاخص بورس دارند. بیشوف (۲۰۰۹) توضیح می‌دهد که افشای ریسک عملیاتی است تحت IFRS 7 مورد نیاز نیست.

اثرات اجرای ریسک افشاگری در تحقیقات قبلی در مورد IFRS 7 نشان می‌دهد که با تصویب IFRS 7 کیفیت افشای ریسک مالی افزایش یافته است. برخی از نویسندگان جنبه کیفیت از صورت مالی را مطالعه کرده‌اند. برتا و بوزولان (۲۰۰۴) بیان می‌کند که ارتباطی بین کمیت گزارش سالانه و کیفیت افشای گزارش سالانه وجود ندارد.

در این مطالعه، بیشوف (۲۰۰۹) دریافت که اجرای استاندارد باعث افزایش کیفیت افشای صورت‌های مالی و گزارش ریسک بانک‌ها در اروپا می‌باشد. او همچنین معتقد است که کیفیت افشا از ریسک بازار در معرض وجود به ریسک اعتباری شرکت منتقل شده است. بررسی ریسک شرکت مربوط به افشاگری‌ها در پرتغال (کشور قانون کد)، اولیویرا، لیما و کریگ (۲۰۱۳) نشان داد که مقررات اخیر در بهبود کیفیت اطلاعات ریسک افشا موثر بوده است. به هر حال، ریز و پلنبرگ (۲۰۱۳)، عنوان کردند برخی از افشاگری‌های مورد نیاز IFRS، شامل IFRS7، مطلوب هستند، اما همچنین در میان اقلام مورد اشاره بیشتر موارد برای آماده‌سازی بسیار پرهزینه هستند که باعث نارضایتی استفاده‌کنندگان می‌شوند. میکن (۲۰۱۲) استدلال می‌کند که IFRS



افشاگری‌های ریسک شرکت با اظهارات جدید در مقدار افشای ریسک با اطلاعات گسترده‌تر و جامع‌تر افزایش می‌دهد.

در مطالعه فرهنگی صورت گرفته در مورد تجزیه و تحلیل ویژگی‌های افشاگری ریسک در بخش تولید، به این نتیجه منتج شد که افشای ریسک در گزارش مدیریت و در دسته ریسک مالی رایج است. بونتی و پالماچی (۲۰۱۲) نتیجه‌گیری کردند که قبل از الزامی شدن IFRS 7، سرمایه‌گذاران در معرض قرار گرفتن شرکت‌ها به ریسک ارز آشنایی نداشتند. استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی ارزش اطلاعات در مورد ریسک ناشی از ابزارهای مالی که شرکت با آن روبرو است را خواهان هستند و تکنیک‌های مورد استفاده برای شناسایی اندازه‌گیری، نظارت و کنترل این خطرات را ضروری می‌دانند. عواملی که بسیاری از مطالعات افشای اثرات حسابداری نشان می‌دهد که برخی از عوامل ممکن است ریسک افشاگری‌های حسابداری تأثیر بگذارد. زارسکی (۱۹۹۶) اشاره دارد شرکت‌های فعال در بازارهای بین‌المللی که در پی افشاگری‌های بامیل خود در سطوح بالایی از اطلاعات عمومی هستند.

هوب (۲۰۰۳) نتایج نشان داد که هر دو خاستگاه و فرهنگ حقوقی در توضیح افشاسازی شرکت مهم است. بنتلی و فراکلین (۲۰۱۳) دریافتند که فرهنگ‌های انگلیسی برای ریسک افشا مطلوب‌تر هستند. دوبر (۲۰۱۱) و همکاران نتیجه می‌گیرند که تفاوت در فرهنگ‌ها در ریسک افشاگری‌ها تا حدی می‌تواند مربوط به مقررات افشاگری‌های داخلی است. برای افشا اولیه پس از تصویب IFRS 7، بیشوف (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که آن را می‌توانید در سراسر کشور به دلیل تفاوت در اجرا و تفسیر IFRS 7 توسط نظارت نهاد‌های ملی بانکی متفاوت یافت کنید. شرکت‌های بین‌المللی میل به شفافیت بیشتری در ریسک افشای خود دارند. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل پیش‌بینی سود، ساتر (۲۰۱۲) استدلال می‌کنند که در اتحادیه اروپا، شرکت‌های اروپایی که در بورس آمریکا مبادله می‌شوند، شفافیت بیشتری دارند. در واقع، هزینه افشاگری‌ها می‌تواند یک عامل تعیین کننده در تصمیم به افشای بیشتر یا کمتر باشد. فراست و کیدنی (۲۰۱۱) دریافتند که تفاوت در افشاگری‌ها مربوط به این حقیقت هستند که برای برخی از صادرکنندگان خارجی نمایش هزینه افشاگری‌های مورد نیاز بیش از هزینه‌های مورد انتظار است. به همین دلیل افشای داوطلبانه کامل بندرت رخ می‌دهد و شرکت‌ها معمولاً بیش از آنچه الزام است افشا نمی‌کنند. با این حال، به عنوان یک نتیجه از قانون Sarbanes-Oxley از ۲۰۰۲ شرکت‌های بین‌المللی ملزم به افشای بیشتر هستند.

## داده و روش‌ها

از آنجا که مطالعات قبلی نشان می‌دهد که فرهنگ بر افشاگری‌های حسابداری تاثیر می‌گذارد، سئوالات پژوهش از این مطالعه به شرح زیر است:

تاثیر فرهنگ بر سطح افشای ریسک چیست؟ و اگر فرهنگ دارای یک اثر در سطح ریسک افشا است، چگونه ریسک افشاگری‌ها پس از تصویب IFRS 7 تغییر می‌کند (با توجه به تئوری پنهان‌کاری و محافظه-کاری).

یک کشور متقابل در تجزیه و تحلیل مربوط به افشاگری‌های IFRS7 از ریسک مالی شامل نام شرکت‌ها و مبدا کشورها، چارچوب استفاده شده در گزارشات مالی IFRS, US GAAP یا بیشتر، حسابرس شرکت آنها، و صنعت آماده گردید. و همچنین شناسایی اینکه اگر شرکت افشا اطلاعات ریسک مالی در گزارش جداگانه و یا در یادداشت از صورت‌های مالی، نام گزارش و توضیحات (نام) و تعدادی از یادداشت‌های توضیحی، و نوع افشاگری‌های ریسک توسط شرکت استفاده شده است.

گری (۲۰۱۰) اشاره می‌کند بیشترین سطح از پنهان‌کاری و محافظه‌کاری، پایین‌تر از سطح افشا را در پی دارد. از سوی دیگر، پایین‌ترین سطح از پنهان‌کاری و محافظه‌کاری، بیشترین سطح از افشا را خواهد داشت. به هر شرکتی که در IFRS 7 افشای ریسک در گزارش‌های سالانه خود در نظر گرفته بودند سطح کشور هر شرکت از پنهان‌کاری و محافظه‌کاری با سطح افشای ریسک اختصاص داده شده به تجزیه و تحلیل رابطه خود را مقایسه شد. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که فرهنگ ممکن است با دیگر متغیرها در ارتباط باشد. به همین دلیل، این مطالعه شامل سایر متغیرهای کنترل مربوط به کشورهایی با کنترل ویژگی‌های اقتصادی است که می‌تواند افشاگری‌های IFRS برای شرکت‌های بین‌المللی تحت تاثیر قرار دهد. پژوهشی انجام شده توسط هوپ و همکاران (۲۰۰۶)، مطالعه عوامل اقتصادی خاص، مانند وجود مکانیسم‌های حفاظت از سرمایه‌گذار، به دلیل تاثیر احتمالی آنها در تصمیم‌گیری یک کشور مربوط به افشای IFRS را مطرح می‌کند. مکانیسم‌های حفاظت از سرمایه‌گذار مورد استفاده در این مطالعه توسط فیلترهای به‌دست آمده از گزارش رقابت جهانی برای ۲۰۲۱-۲۰۱۳ منتشر شده توسط مجمع جهانی اقتصاد (گزارش WEF) ارائه شده است. عوامل انتخاب شده از دوازده ستون استفاده برای اندازه‌گیری رقابت از کشورهای مختلف به‌دست آمد. متغیرهای زیر از ارکان سازمانی انتخاب شدند: دفاع از منافع سهامداران جزء و قدرت حفاظت از سرمایه‌گذار.

متغیرهای کنترل دیگر (با کیفیت مقررات، کنترل انحرافات، اثربخشی دولت و ثبات سیاسی) از شاخص‌های حکومتی در سراسر جهان به دست آمد. منشا قانونی نیز در این مدل با توجه به منشا قانونی که عوامل تعیین کننده در سطوح افشای بین‌المللی است، گنجانده شد. مطابق با تئوری گری، انتظار این مطالعه این است که سطح بیشتر از پنهان کاری و محافظه کاری در یک کشور، کمترین افشاگری‌های ریسک IFRS و بالعکس می‌باشد. علاوه بر این، کشورها با سطوح بالاتری از حفاظت از منافع اقلیت، قدرت حمایت از سرمایه‌گذار، با کیفیت مقررات، کنترل انحرافات، اثربخشی دولت و ثبات سیاسی) تمایل به سطوح بیشتر افشای ریسک IFRS انتظار می‌رود. براساس یافته‌های هوپ (۲۰۰۳)، از کشورهای دارای قوانین مشترک انتظار می‌رود سطوح افشای ریسک IFRS بیشتری از کشورها قانون‌گذار داشته باشند.

### طرح پژوهش و مدل تجربی

مدل زیر به منظور برآورد رابطه بین ریسک سطح افشا، عوامل فرهنگی، و دیگر متغیرهای کنترل ایجاد شد.

$$RDL_i = a_0 + b_1Sec + b_2Con + b_3Comm/Code + b_4PMI + b_5SIP + b_6RQ + b_7CC + b_8GE + b_9PS + \varepsilon$$

که در آن  $RDL_i$  نشان‌دهنده سطح افشای ریسک IFRS در مشاهدات شرکت، Sec نشان‌دهنده ارزش پنهان کاری، Con نشان‌دهنده محافظه کاری، Comm/Code نشان‌دهنده قانون مشترک و قانون کد، PMI نشان‌دهنده حفاظت از منافع اقلیت، SIP نشان‌دهنده قدرت حفاظت از سرمایه‌گذار، RQ نشان‌دهنده مقررات کیفیت، CC نشان‌دهنده کنترل انحرافات، GE نشان‌دهنده اثربخشی دولت و PS نشان‌دهنده ثبات سیاسی است. انتظارات پژوهش با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون برای یک مدل مورد مطالعه قرار گرفت. مدل رگرسیون با استفاده از سطوح افشای ریسک IFRS به عنوان متغیر وابسته. ارزش‌های فرهنگی گری برای پنهان کاری و محافظه کاری و برخی از ارزش‌های سیاسی و اقتصادی متغیرهای مستقل استفاده شد.

### نتایج و بررسی

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ارزش‌های فرهنگی مانند پنهان کاری (SEC) و محافظه کاری (Con) یک تاثیر قابل توجهی در سطح افشای ریسک ندارد. علاوه بر این، متغیرهای کنترل متداول و قانون کد (Comm/Code)، حفاظت از منافع اقلیت (PMI) و قدرت حفاظت از سرمایه‌گذار (SIP) در سطوح افشای

ریسک معنی‌دار نبود. با این حال، همچنین به نظر می‌رسد نتایج یک رابطه منفی معنی‌داری بین ثبات سیاسی (PS) و اثربخشی دولت (GE) با سطوح افشای ریسک را نشان می‌دهد. ارزش‌های فرهنگی یک کشور و سایر عوامل اقتصادی-سیاسی ممکن است برای تشریح افشاهای خطر سطوح مورد نیاز توسط IFRS 7 کمک کند.

### نتیجه‌گیری

تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که تفاوت در فرهنگ، عوامل اقتصادی و سیاسی ممکن است سطح افشای مالی را تحت تاثیر قرار دهد. بنتن و فراکلین (۲۰۱۳) دریافتند که فرهنگ انگلیسی برای افشای ریسک مطلوب‌تر می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی تأثیر فرهنگ بر سطح افشای ریسک IFRS بود. نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد که فرهنگ (پنهان‌کاری و محافظه‌کاری) یک تاثیر قابل توجهی در سطح افشای IFRS ندارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ممکن است افشاگری‌ها از زمان تصویب IFRS تغییر کرده است. با این حال، عوامل اقتصادی و سیاسی برای ریسک افشاگری‌های مالی، موثر به نظر می‌رسد. کشورها با افزایش کنترل انحرافات و کیفیت مقررات سطوح بالاتری از سطح افشای ریسک IFRS پدیدار می‌شود. این نتایج تا حدی انتظارات پژوهش که کشورهای با سطوح بالاتری از حفاظت از منافع اقلیت، قدرت حمایت از سرمایه‌گذار، با کیفیت مقررات، کنترل انحرافات، اثربخشی دولت و ثبات سیاسی به سطح افشای ریسک IFRS افزایش یافته است حمایت می‌کنند.

از آنجا که متغیرهای فرهنگی اصلی مورد استفاده در مطالعه معنی‌دار نبود، در مقابل با برخی از متغیرهای کنترل استفاده می‌شود، تحقیقات آینده باید روش دیگری که می‌تواند تاثیر عوامل فرهنگی در سطح افشای ریسک IFRS در نظر بگیرد اندازه‌گیری کند. علاوه بر این، تحقیقات آینده می‌تواند سطح افشای ریسک برای این تحقیق در نظر گرفته شده و عوامل مانند کد استاندارد صنعت (SIC) و شهرت شرکت حسابرسی مستقل تر کیب نماید.

## منابع

1. Considerations in preparing and applying IFRS 7 Financial Instruments: Disclosures – A focus on liquidity risk management disclosures , *By Eckhardt Gerber, RSM South Africa - taken from RSM Reporting - Issue 29.*
2. Admati, A. and Pfleiderer P. (2000). Forcing Firms to Talk: Financial Disclosure Regulation and Externalities. *The Review of Financial Studies* 13(3), 479-519
3. Arping, S. and Z. Sautner. (2012). Did SOX Section 404 make firms less opaque? Evidence from crosslisted firms., *Contemporary Accounting Research* , 30
4. Bentley, P. and Franklin, M. (2013). Which International Cultures Favor Disclosure of Risk. *International Journal of Business, Accounting, and Finance*, 7(2), 62-76
5. Beretta, S. and Bozzolan, S. (2004). A framework for the analysis of firm risk communication. *The International Journal of Accounting*, 39 (3), 265-288.
6. Dobler, M., Lajili, K. and Zéghal, D. (2011). Attributes of corporate risk disclosure: an international investigation in the manufacturing sector. *Journal of International Accounting Research*, 10(2), 1-22
7. Douppnik, T & Perera, H. (2012). *International Accounting* (3 rd Ed.) New York; McGraw-Hill/Irwin.
8. *International Financial Reporting Standard 7 Financial Instruments: Disclosures*, INTERNATIONAL FINANCIAL REPORTING STANDARD AUGUST 2005
9. *A practical guide to IFRS 7 For investment managers and investment, private equity and real estate funds* April 2010